

نور:

مزون نور

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴-میر مجیدی



۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲



nozhaa_collection



یادداشت اول

فریادی که شنیده نشد

■ فاطمه سراوانی

تداوم خشکسالی و کاهش بی سابقه بارندگی ها، ذخایر آبی سدهای استان را به پایین ترین سطح خود رسانده و سایه این بحران بر زندگی و معیشت مردم سنگینی می کند. سال هاست که روزنامه گلشن مهر زنگ خطر کم آبی و ضرورت مدیریت مصرف آب را به صدا درآورده، تیرها و یادداشت های مختلف نوشته شد بارها و بارها گفتیم و نوشتیم اما گویا این فریادها در هیاهوی روزمرگی گم شد و گوش شنوایی نیافت. بر اساس آخرین آمارها، حجم آب موجود در سدهای استان گلستان در سال آبی جاری، نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، با کاهش چشمگیر ۳۰ درصدی مواجه شده است. این آمار تکان دهنده، نشان از وضعیتی بحرانی دارد که نیازمند توجه فوری و اتخاذ تدابیر اساسی است. سدهایی که روزی مایه حیات و آبادانی بودند، امروز خود تشنه اند و چشم به آسمان دوخته اند. کارشناسان، تداوم خشکسالی های پی در پی را اصلی ترین دلیل این وضعیت بحرانی می دانند. کاهش بارندگی ها در سال های اخیر، ورودی آب به سدها را به شدت کاهش داده و از سوی دیگر، افزایش دما و تبخیر آب، مزید بر علت شده است. این در حالی است که مصرف بی رویه و غیراصولی آب در بخش های مختلف، به ویژه کشاورزی، نیز در تشدید این بحران نقش بسزایی داشته است. شاید تلخ ترین واقعیت این است که مردم تعداد قابل توجهی از روستاهای استان امروز با تانکر آبرسانی می شوند، اما این تصویر دردناک نیز نتوانسته است تغییری اساسی در نحوه مصرف آب در میان اقشار مختلف جامعه ایجاد کند. گویی هنوز هم برخی افراد، چه در میان مردم عادی و چه در میان مسئولان، ابعاد واقعی این بحران را درک نکرده اند. در شرایط کنونی، مصرف بهینه و هوشمندانه آب، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

ادامه در صفحه ۲

هفته دوم لیگ برتر فوتسال
بهشتی سازه سزاوار باخت نبود



۲

به دیگران بیندیش!
«یادداشت»



۳

مهارت آموزی رمز شکوفایی
کشاورزی گلستان



۳

گلشن مهر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ یکشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۳۰۱۹ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان



اسب های اصیل ترکمن و رویای
رونق گردشگری

» ۸ «



درس هایی از حضور پیماتکاران چینی
در گلستان

» ۷ «



سطل نقره ای تهوع
«سینما»

» ۴-۵ «

فرار منابع بانکی یا

کاهش رشد اقتصادی گلستان



منتشر می شود نشان می دهد در شرایطی که در سطح کشور مجموع منابع بانکی کشور از ۹۱۶۳ همت (هزار میلیارد تومان) در اسفند ۱۴۰۲ با رشد حدود ۴۷۶ درصد به ۱۳۵۲۵ همت در اسفند ۱۴۰۳ رسیده است ولی منابع بانکهای استان در همین زمان از ۷۸.۵ همت به ۱۰۲.۷ همت رسیده که نشان از رشد حدود ۳۰.۸ درصدی دارد و این نشان می دهد که منابع بانکهای استان حدود ۱۷ درصد کمتر از میانگین رشد منابع بانکهای کشور رشد کرده است...

ادامه در صفحه ۲

که حداقل میتواند حدود ده هزار میلیارد تومان تسهیلات برای بخشهای مختلف اقتصادی استان تامین کند. جداول منابع بانکی و مانده تسهیلات بانکی مجموع شبکه بانکی استان و کشور که ماهیانه توسط بانک مرکزی

حسینقلی قوئلو - چهارشنبه نهم مرداد در جلسه مدیران استان و فعالین اقتصادی استان با وزیر محترم تعاون کار و رفاه اجتماعی در انتهای جلسه نمایندگان محترم استان ضمن گزارشی از وضعیت اقتصادی و محرومیت استان با خواش و تمنا درخواست ابلاغ و تصویب دو هزار میلیارد تومان تسهیلات برای ۱۴ شهرستان استان داشتند و حال آنکه گزارش ذیل نشان می دهد فقط در شش ماهه دوم سال قبل حدود بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان از منابع بانکی استان بنوعی از شبکه بانکی استان خارج شده است

دولت خانه ملت است یا مجلس؟

نمود که مثلاً این لایحه را به نحو عادی یا با قید یک فوریت، بررسی نماید و به دو فوریت آن رای ندهد؟ هیچکس از مجلس نخواست که مثلاً موادی از این لایحه که ناقض یا تحدید کننده حقوق شهروندان است را تصویب نماید و بر همین مبنا، قطعاً هیچکس تقاضا نکرد که مجلس موادی در تقویت حقوق شهروندان در این لایحه بگنجاند و اضافه نماید! سوال این است که چرا؟ مگر مجلس خانه ملت است یا دولت؟

ادامه در صفحه ۲

هنگامی که مشخص شد دولت، لایحه مربوط به فضای مجازی را با قید دو فوریت به مجلس ارائه نموده، سیل تقاضاها و انتقادات خطاب به دولت به راه افتاد. بعضاً انتقادات تندی مطرح شد و از دولت خواسته شد که این لایحه را مسترد کند و این نوع تقاضاها حتی بعد از تصویب دو فوریت لایحه مذکور در مجلس نیز ادامه داشت. تا جایی که می دانم تقاضایی خطاب به مجلس مطرح نشد و اگر هم مطرح شده، تعداد آنها نسبت به تعداد تقاضاها از دولت، قابل توجه نبوده است. هیچکس از مجلس نخواست و تقاضا



رضا سلیمانی

ادامه یادداشت اول

فریادی که شنیده نشد

هر قطره آب، امروز ارزشی دوجندان دارد و باید قدر آن را بدانیم. شهروندان گرامی باید با رعایت نکات ساده‌ای همچون کاهش زمان استحمام، استفاده از شیرآلات کم‌مصرف، آبیاری گیاهان در ساعات خنک روز و جلوگیری از هدر رفت آب در مصارف خانگی، نقش مهمی در مدیریت مصرف آب ایفا کنند. متأسفانه، هنوز هم در جای‌جای شهر شاهد صحنه‌هایی هستیم که نشان می‌دهد برخی افراد بحران آب را باور ندارند. با وجود اینکه در مناطق شهری، قطعی آب برای ساعت‌های متمادی به امری عادی تبدیل شده است، اما هنوز هم عده‌ای حیاط منازل خود را با آب شرب می‌شویند، خودروها را با فشار قوی آب تمیز می‌کنند و این نعمت الهی را اینگونه هادر می‌دهند. بخش کشاورزی، به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب در استان، باید پیشگام در اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف آب باشد. استفاده از روش‌های نوین آبیاری، کشت محصولات کم‌آب‌بر، تسطیح اراضی و جلوگیری از کشت‌های غیرمجاز، می‌تواند به میزان قابل توجهی مصرف آب در این بخش را کاهش دهد. برای عبور از بحران کم‌آبی و تأمین پایدار آب در استان، تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی ضروری است. شناسایی و استفاده از منابع جدید آب، توسعه شبکه‌های آبرسانی، بازسازی و نوسازی شبکه‌های فرسوده، مدیریت جامع منابع آب و استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه آب، از جمله اقداماتی است که باید در اولویت قرار گیرند. بحران کم‌آبی، یک چالش جلی است که نیازمند همدلی و همکاری همه جانبه است. دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها و تک‌تک شهروندان، باید دست در دست هم، برای مدیریت این بحران تلاش کنند. آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در جامعه، می‌تواند گام مؤثری در این راستا باشد. باید به این باور برسیم که آب، یک کالای بی ارزش و تمام نشدنی نیست؛ بلکه یک نعمت الهی است که باید با نهایت احترام و دقت از آن استفاده کنیم. روزهای سختی در پیش است.

ادامه تیتَر دوم

دولت خانه ملت است یا مجلس؟

آیا مجلس باید بیشتر مدافع حقوق ملت باشد یا دولت؟ آیا مگر یکی از فلسفه ها و علل وجودی مجلس، آن نیست که حافظ حقوق اساسی و غیر اساسی شهروندان باشد، ناظر بر اقدامات دولت و حتی اجرای قوانین مصوب باشد تا حقوق شهروندان تضییع نگردد؟ آیا مگر مجلس خانه ملت نیست و نباید شهروندان در این مواقع به خانه خود مراجعه کنند؟ چرا هیچکس به خانه‌اش رو نینداخت؟ عملکرد کلی مجلس (غیر از تعدادی نمایندگان آگاه و شجاع) به ویژه در دو سه دوره اخیر، به نحوی بوده که شهروندان، ترجیح دادند چنین تقاضاهایی را خطاب به آن مطرح نکنند و همه می‌دانیم که علت آن چیست. مجلس زمانی در رأس امور خواهد بود که بداند و بر اساس این دانسته عمل کند که: « خانه ملت باشد با تمام قواعد آن »

وکیل دادگستری

ادامه تیتَر اول

دوره انتخابات دهمی
دوره اول شورای استانی

کل صدها نسلهت و سیردهای رانی و آوری باکف و آمیزش با نسلان در پایان امده ماه ۱۳۰۴

مکانی به سمارت ریل

ردیف	نام استان	سیرده (۱۳۰۴)	سیرده ها پس از کسر سیرده تاریخی و غیر تاریخی	نسبهتات تاریخی و غیر تاریخی
۱	تهران (۱۱)	۳,۸۵۸,۰۰۰	۳,۸۵۸,۰۰۰	۳۱,۰۳۳,۸۰۱
۲	اصفهان	۳,۵۱۶,۱۶۶	۳,۵۱۶,۱۶۶	۲,۲۳۶,۱۵۵
۳	خراسان رضوی	۳,۴۹۶,۰۰۰	۳,۴۹۶,۰۰۰	۲,۲۳۶,۱۶۶
۴	یزد	۳,۳۸۰,۰۰۰	۳,۳۸۰,۰۰۰	۲,۲۳۶,۱۶۶
۵	خراسان شمالی	۳,۳۸۰,۰۰۰	۳,۳۸۰,۰۰۰	۲,۲۳۶,۱۶۶
۶	مزنسان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۷	آذربایجان شرقی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۸	گلستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۹	کرمان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۰	آذربایجان غربی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۱	کرمانشاه	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۲	چهارمحال و بختیاری	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۳	فارس	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۴	کهستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۵	هرمزگان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۶	سیستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۷	خراسان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۸	اردبیل	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۱۹	قزوین	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۰	همدان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۱	مازندران	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۲	گلستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۳	اصفهان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۴	تهران	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۵	سیستان و بوشهر	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۶	یزد	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۷	خراسان رضوی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۸	کهستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۲۹	خراسان شمالی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۰	خراسان جنوبی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۱	آذربایجان غربی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۲	کرمان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۳	آذربایجان شرقی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۴	گلستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۵	هرمزگان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۶	سیستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۷	خراسان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۸	اردبیل	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۳۹	قزوین	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۰	همدان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۱	مازندران	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۲	گلستان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۳	اصفهان	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۴	تهران	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۵	سیستان و بوشهر	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۶	یزد	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳,۳۳۶,۳۶۶	۲,۲۳۶,۳۶۶
۴۷	خراسان رضوی	۳,۳۳۶,۳۶۶	۳	



خشکسالی و خاموشی گلستان را تشنه نگه داشت



غزاله صیدانلو - مدیرعامل آبفای گلستان، با هشدار درباره کاهش ۳۸ درصدی بارندگی و وابستگی ۹۸ درصدی به منابع زیرزمینی، از تشدید بحران آب در استان خبر داد و گفت: خاموشی‌های چندساعته برق و افزایش ۱۰ درصدی مصرف، شبکه آبرسانی به‌ویژه در روستاها را تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار داده است. ابوالفضل رحیمی با بیان اینکه ۷۸ درصد روستاهای گلستان از خدمات پایدار آبرسانی برخوردارند، به چالش‌های ناشی از عمر بالای ۲۰ سال شبکه‌های توزیع اشاره کرد. وی از تخصیص ۵۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای پروژه‌های آبرسانی با پیشرفت فیزیکی بیش از ۸۰ درصد خبر داد.

«ثُمَّهٌ مِنْ لَمْ يَجِدْ حَبْرًا لِلنَّوْمِ
وَأَنْتَ تَحْرَرُ نَفْسَكَ بِالْإِسْتِعَارَاتِ، فَكَّرْ بَغَيْرِكَ
«مَنْ فَقَدُوا حَقَّهُمْ فِي الْكَلَامِ
وَأَنْتَ تَفَكَّرُ بِالْأَخْرَيْنِ الْبَعِيدِينَ، فَكَّرْ بِنَفْسِكَ
«قُلْ: لَيْتَنِي شَمْعَةٌ فِي الظَّلَامِ

و چون صبحانه‌ات را می‌چینی،
به دیگران بیندیش
«فراموش مکن قوت کبوتران را
و چون به جنگ می‌روی،
به دیگران بیندیش
«فراموش مکن آنان که صلح می‌جویند
و چون بهای آب را می‌پردازی،
به دیگران بیندیش
«آنان که ابر می‌دوشند را از یاد مبر
و چون به خانه‌ات باز می‌گویی، خانه‌ات،
به دیگران بیندیش
«فراموش مکن مردمان چادر نشین را
و چون به خواب می‌روی و ستارگان را
می‌شماری،
به دیگران بیندیش
«آنان که جایی برای خواب ندارند
و چون خود را در استعاره‌ها آزاد می‌کنی،
به دیگران بیندیش
«آنان که حق سخن گفتن ندارند
و چون به دیگران، دوردست‌ها می‌اندیشی،
به خویش بیندیش
«و بگو: کاش شمعی بودم در تاریکی

استاد علوم سیاسی دانشگاه

با خودخواهی ناسازگار در واقع انسان موجودی است خودخواه و دیگرخواه، اخلاق ناظر به ساحت دوم وجود اوست. از این رو هنگامی پای در وادی اخلاق می‌گذاریم که از اندیشیدن به خود و منافع شخصی فراتر رویم و به دیگری و منافع او بیندیشیم. این همان نکته‌ای است که در شعر "به دیگری بیندیش" محمود درویش (۱۹۴۱-۲۰۰۸): شاعر و نویسنده معاصر فلسطینی، به زیبایی بازتاب یافته است. هر چند سیاست با اخلاق سر سازگاری ندارد و در تنش همیشگی با آن است، اما تنش زدایی میان این دو تنها در گرو همین نکته است. تنها در صورتی می‌توان سیاست را به اخلاق نزدیک و با آن آشتی داد، که خیر عمومی و مصلحت همگانی، جایگزین خیر و مصلحت فرد یا طبقه حاکم شود. روسو بر همین اساس می‌گفت «در یک کلمه حکومت خوب، حکومتی است که همیشه حاضر به فدا کردن حکومت به خاطر ملت و نه ملت به خاطر حکومت باشد.» (روسو، قرارداد اجتماعی، متن و در زمینه متن، ترجمه مرتضی کلاتریان، تهران: آگاه، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴)

وَأَنْتَ تُعَدُّ فَطُورَكَ، فَكَّرْ بَغَيْرِكَ
«لَا تَنْسَ قُوْتَ الْحَمَامِ
وَأَنْتَ تُخَوِّضُ حُرُوبَكَ، فَكَّرْ بَغَيْرِكَ
«لَا تَنْسَ مَنْ يَطْلُبُونَ السَّلَامَ
وَأَنْتَ تُسَدِّدُ فَاتُورَةَ الْمَاءِ، فَكَّرْ بَغَيْرِكَ
«مَنْ يُرْضِعُونَ الْغِيَامَ
وَأَنْتَ تَعُودُ إِلَى بَيْتِكَ، بَيْتِكَ، فَكَّرْ بَغَيْرِكَ
«لَا تَنْسَ شُعْبَ الْخِيَامِ
وَأَنْتَ تَنَامُ وَتُحْصِي الْكَوَاكِبَ، فَكَّرْ بَغَيْرِكَ



به دیگران بیندیش!



علی میرموسوی

چپستی اخلاق و معیار فعل اخلاقی مسئله‌ای است بحث برانگیز به معرکه‌ای از آراء و نظریه‌ها. با این حال بسیاری پذیرفته‌اند که اخلاق با اندیشیدن به دیگری و دیگرخواهی تلازم دارد و

مهارت‌آموزی رمز شکوفایی کشاورزی گلستان

به باغ‌های مثمر پربارده تبدیل شوند. حسینی تأکید کرد: ایجاد باغ‌های مثمر نه تنها از فرسایش خاک جلوگیری می‌کند، بلکه با تولید درآمد سالانه حدود ۴ میلیارد ریال به ازای هر هکتار، ارزش افزوده قابل‌توجهی برای بهره‌برداران ایجاد می‌کند.

فرسایش خاک در اراضی شیب‌دار یکی از چالش‌های جدی است

حسینی می‌افزاید: ایجاد باغ‌های مثمر با ارزش افزوده بالا، تنها راه پایدار برای پیشگیری از فرسایش خاک و توسعه اقتصادی این اراضی است. آموزش‌های مهارتی در این زمینه می‌تواند بهره‌برداران را با تکنیک‌های مدرن باغداری آشنا کنند و زمینه‌ساز تحول در این مناطق شوند. گسترش آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای کشاورزی در گلستان، نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی منطقه ایفا می‌کند. این آموزشگاه‌ها با تربیت نیروی کار ماهر، افزایش بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی و پیوند آموزش با فناوری‌های نوین، می‌توانند آینده‌ای روشن برای کشاورزی استان رقم بزنند. کرایلو تأکید می‌کند: معرفی الگوهای نوین آموزشی به جامعه کشاورزی، نیازمند همکاری دستگاه‌های مرتبط است. ما متعهد به توسعه آموزش‌های مهارتی با رویکرد کشاورزی هستیم. طرح اداره کل فنی و حرفه‌ای گلستان برای گسترش آموزشگاه‌های کشاورزی، گامی استراتژیک در مسیر توسعه پایدار است. با حمایت جدی نهادهای مسئول و مشارکت دستگاه‌های مرتبط، این طرح می‌تواند گلستان را به الگویی برای کشاورزی هوشمند و پایدار در کشور تبدیل کند. سرمایه‌گذاری در مهارت‌آموزی نه تنها اقتصاد بهره‌برداران را تقویت می‌کند، بلکه با ایجاد ارزش افزوده و اشتغال پایدار، آینده‌ای روشن برای نسل‌های آتی به ارمغان می‌آورد.



وی باغ زیتون ۱.۵ هکتاری پدری خود را با استفاده از دانش فنی و مدیریت اصولی به واحدی اقتصادی تبدیل کرده است. این باغ با ۳۰۰ درخت بارده در هر هکتار، در سال ۱۴۰۲ حدود ۲۶۰۰ کیلوگرم زیتون روغنی و ۳۵۰ کیلوگرم روغن زیتون تولید کرد. قائمی گفت: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به من کمک کرد تا با کنترل آفات، هرس اصولی و مدیریت آبیاری، بهره‌وری باغ را به‌طور چشمگیری افزایش دهم. علی حسینی، مدرس آموزشگاه فنی و حرفه‌ای گلستان، به پتانسیل ۲۵۰ هزار هکتار اراضی شیب‌دار بلااستفاده در استان اشاره کرد و گفت: این اراضی با شیب ۸ تا ۳۰ درصد، با تراس‌بندی و آبیاری مناسب، می‌توانند

فنی و حرفه‌ای کشاورزی گلستان در مزرعه تحقیقاتی ۳۰ هکتاری بسکی در میوندشت راه‌اندازی شده است. جهانگیر عرب، دانش‌آموخته مهندسی کشاورزی و مدیر این آموزشگاه، معتقد است: فقدان سرمایه‌گذاری در مهارت‌آموزی، دلیل اصلی عقب‌ماندگی کشاورزی منطقه است. وی گفت: آموزش‌های مهارتی می‌توانند تولید محصولات کشاورزی را تا ۵۰ درصد افزایش دهند و اقتصاد بهره‌برداران را متحول کنند. این آموزشگاه با ارائه دوره‌های عملی و تخصصی، الگویی موفق برای توسعه کشاورزی پایدار ارائه کرده است. پرستو قائمی، دانش‌آموخته کشاورزی از کردکوی، نمونه‌ای الهام‌بخش از تأثیر آموزش‌های مهارتی است.

استان گلستان با برخورداری از تنوع اقلیمی بی‌نظیر، خاک حاصلخیز و منابع طبیعی غنی، یکی از قطب‌های کشاورزی ایران به شمار می‌رود و با دارا بودن هفت اقلیم از ۱۳ اقلیم آب‌وهوایی جهان، از کشت محصولات زراعی مانند گندم، کلزا و سویا تا تولید محصولات باغی، دامپروری، شیلات و حتی خاویار، سالانه ۵ میلیون تن محصول کشاورزی تولید می‌کند. به گزارش ایرنا، گلستان در تولید ۱۵ محصول استراتژیک کشور پیش‌نم است و رتبه‌های اول در تولید کلزا، سویا، هلو و گوشت مرغ و جایگاه دوم در گندم و چغندر قند را به خود اختصاص داده است. با این حال، بهره‌برداری کامل از این ظرفیت عظیم، نیازمند استفاده از دانش روز و مهارت‌آموزی هدفمند است. گلستان با تنوع اقلیمی و منابع طبیعی خود، پتانسیل بالایی برای توسعه کشاورزی دارد. از دشت‌های حاصلخیز برای کشت غلات و دانه‌های روغنی تا اراضی مناسب برای باغداری و پرورش دام، این استان می‌تواند نقش کلیدی در تأمین امنیت غذایی کشور ایفا کند. با این وجود، کمبود مهارت‌های نوین در میان بهره‌برداران، به‌ویژه خرده‌مالکان که بیش از ۳۵ درصد نیروی کار استان را تشکیل می‌دهند، مانع از تحقق کامل این ظرفیت‌ها شده است. اداره کل فنی و حرفه‌ای گلستان، با درک این چالش، برنامه‌ای جامع برای گسترش آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای کشاورزی به اجرا درآورده است. این طرح با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص، افزایش راندمان تولید، ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و ارتقای درآمد بهره‌برداران طراحی شده است. حمزه کرایلو، مدیرکل فنی و حرفه‌ای گلستان، گفت: اقتصاد گلستان بر پایه کشاورزی استوار است و برای افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری در مهارت‌آموزی ضروری است. نخستین آموزشگاه

سطل نقره ای تهوع



علی درزی

نقد این هفته در مورد فیلم پیر پسر اوکتای براهنی است که این روزها سر و صدای زیادی به پا کرده است.

به رسم معمول سراغ کارهای قبلی این کارگردان می رویم تا بتوانیم جهان این کارگردان را بهتر درک کنیم، البته اگر جهانی داشته باشد. بهتر است با پل خواب اولین فیلم این کارگردان شروع کنیم، اوکتای براهنی در شماره ۶۵ مجله سینما ادبیات با حافظ روحانی مصاحبه ای انجام داده که خط مشی فکری و هنری این کارگردان را برای ما روشن می سازد. اول از همه صحبت از اقتباس از جنایات مکافات داستایفسکی می شود. قبل از هر چیز باید بگویم مقوله اقتباس و ایرانیزه کردن و برداشت آزاد از یک داستان، مفهوم کاملاً واضحی است که این کارگردان آن ها را با هم قاطی کرده، این موضوع در پیر پسر هم کاملاً مشهود است. نمی دانم این دسته بندی موضوعات اصلی قصه ها را از آثار شکسپیر تحلیل کرده اند یا خودش آن را گفته، هرچه که هست، دسته بندی جالبی است. موضوع همه قصه ها سه چیز است. عشق، مرگ، قدرت یا جاه طلبی. یا مثلاً یوجین اونیل نمایشنامه نویس معتقد است، تنها سه موضوع دراماتیک وجود دارد: عشق میان مرد و زن، مرگ و حسادت میان مرد و مرد. (امیدوارم در مورد مثال آقای اونیل نگاه جنسیت زده نداشته باشیم و به اصل مطلب توجه کنیم نه حاشیه های فمینیستی یا ترا جنسی و ..) این جملات نویسندگان به آن معنی نیست که نوشتن صرفاً یک آموزه آکادمیکی است و می شود انشا گونه آن را نوشت، بلکه می خواهد به ما بگوید: انسان به واسطه تاریخ زیسته اش در کل چرخه حیاتی که تا به حال داشته، چندان تنوع موضوعی ندارد و گویا همه موضوعات به همین چند چیز اساسی ختم می شود. حتی گفته می شود اشتباه های مهم انسان ها در طول زندگی شان که مسیر زندگی شان را تغییر داده هم از چهار یا پنج اشتباه اساسی بیشتر نمی شود. انگار انسان ها با تمام ویژگی ها و ساختار پیچیده ای که دارند در قصه های زندگی شان چندان متنوع نیستند. شاید اگر اسطوره های تمدن های کهن و خواب های مشترک همه انسان های کره زمین را بررسی کنیم بهتر به این مهم پی ببریم که ما در قصه مشترکیم، فقط بسته به تنوع جغرافیایی محل سکونتمان این کهن الگوها و قصه ها دچار تغییر شکل شده اند؛ وگرنه داستان همه مان، همواره یک چیز بوده، یا به قول شکسپیر سه چیز است. پس می توان گفت، الان دیگر اینکه چه داستانی تعریف می شود زیاد مهم نیست، اینکه چگونه تعریف می شود مهم تر است. البته که این نظریه چی و چگونه در جای خودش جای بحث دارد. ولی در کل اگر بخواهیم با خودمان صادق باشیم، همه قصه ها اقتباس قصه ای هستند که قبلاً اتفاق افتاده، نوشته شده، تعریف شده و یا فیلمش ساخته شده. موضوع بعدی در مورد مصاحبه فیلم پل خواب، بحث قرائت مدرن آثار ادبی است. خوانشی که ناباکوف و فروید بعدها از جنایات و مکافات دارند یک خوانش مدرن بوده و شخصیت راسکولنیکوف را بربر می خوانند. آقای براهنی به لحاظ چارچوب های متفاوت فیلم با رمان، شرایط و تفاوت جامعه امروزی هر کشور در مواجهه با داستان های قدیمی، خوانش خودش را دارد و در یک جایی از مصاحبه می گوید اگر داستایفسکی در دنیای مدرن زندگی می کرد، راسکول نیکوف شبیه موریسوی رمان بیگانه آلبر کامو می شد و در جایی دیگر از این

مصاحبه می گوید: «اگر امروز داستایفسکی تصمیم به خلق شخصیت قاتل می گرفت حتما یکی از ویژگی های این قاتل اعتیاد به شیشه بود». یعنی آقای براهنی نه تنها خوانش شخصی خود از جنایات مکافات داستایفسکی را دارد بلکه پا را فراتر می گذارد و معتقد است، اثری که ارائه داده، نسخه داستایفسکی در عصر حاضر بوده، یعنی اگر این نویسنده شهیر بر اثر تناسخ دوباره به زندگی بر می گشتند و در ایران زندگی می کردند، پل خواب را می ساختند! با این تفاسیر من فیلم پل خواب را اقتباسی از رمان مشهور جنایت و مکافات نمی بینم، البته با تعریفی که ایشان از قرائت دارند، آن را قرائت مدرن هم نمی دانم. قصه فیلم، قصه ایست که شبیه به جنایات مکافات است، همین و بس! مشکل اساسی شخصیت پردازی و نوع قصه روایت کردن سینمای ما همین است، یا مثل فیلم برادران لیلا برای مضمون فیلم، شخصیت های باسمة ای می سازیم و با مخلوط کردن فاکتورهایی به نام معضلات روز اجتماعی، یک کلی را می سازیم که بیشتر شبیه به کلاژی از یک کل منسجم است و یا مانند همین آقای براهنی، چنان اغوای سینما و فلسفه و ادبیات و هنر و تحسیلات و اکتشافات درونی و همزیستی با پدر و غیره می شویم که پا را فراتر می گذاریم و قرائت خود را از داستایفسکی ارائه می دهیم. براهنی از علاقه خود به موضوع قتل یا بهتر بگویم، از فلسفه قتل می گوید و انگیزه های متفاوت (علی الخصوص بی انگیزگی یا پوچی) علت قتل می گوید و در مورد مقوله قتل در جنایات و مکافات می گوید: «فکر می کنم تم اصلی که در پلات جنایت و مکافات آمده بخشی از این قضیه است که قتل ذاتاً بی دلیل است و قتل ذاتاً منطقی برادر نیست. این چیزی است که در صد سال نظریه پردازی درباره جنایت در جنایت و مکافات ریشه دوانده و به دست ما رسیده و من سعی کردم این معنی را حفظ کنم. اما فکر کردم برای نخستین بار در ایران شاید نتوان به این شکل آن را مطرح کرد، پس به دنبال راهی گشتم که ۱۰ یا ۲۰ درصد از پوچی یا بی دلیل بودن علت قتل بماند.» برای مثال تراویس بیکل در فیلم راننده تاکسی اسکورسیزی را یک قاتل ۵۰ - ۵۰ می داند که پنجاه درصد از انگیزه هایش معلوم و نیمی دیگر نامعلوم است یا فیلم امتیاز نمایی را اینگونه مثال می زند که ۸۰ تا ۹۰ درصد از انگیزه قتل توجیه شده و فقط ۱۰ یا ۲۰ درصد می ماند که شخصیت امکان انتخاب دیگری دارد، با تمام این نگاه و تحلیل های به ظاهر دقیق، اثر خودش پنجاه دقیقه صرف انگیزه قتل می شود، انگیزه ای که نه تنها از روی رمان جنایت مکافات برداشته شده بلکه به آن مصرف شیشه شخصیت را هم می افزاید و در آخر دنبال نگاه اگزیستانسیالیستی به مقوله علت مرگ است. باز هم می شود همان داستان کتی برای دکمه دوختن، همان گره ها و شخصیت های از قبل مشخص شده ای که نویسنده تحت هر شرایطی، می خواهد که شخصیتش از یک جای مشخصی سر دربیاید. یعنی شما به عنوان نویسنده وقتی با صفحه سفید مواجه می شوید، با خودتان می گوید من یک نگاه پوچ و بی دلیل به دلیل قتل دارم، حالا می آیم برای شخصیت قتل با دلیل تدارک می بینم که هم به این پوچی بپردازد و هم داستانم علت و معلولی پیش برود. در این فیلم ما با براهنی فیلمسازی آشنا می شویم که به مقوله قتل، قاتل و اقتباس (قرائت خود از اثر) علاقه دارد. فیلم های بعدی او را لتیان و عنکبوت در نظر بگیرید، فیلم هایی که آقای براهنی وظیفه نگارش آن را بر عهده داشته. لتیان یک عداوت بیمارگونه با جامعه هنرمند است. ما می توانیم با هر قشری شوخی کنیم، به لحاظ استعاری آن ها را به زیر تیغ نقد ببریم، حتی می توانیم پا را فراتر بگذاریم و آن ها را ناکارآمد، به درد نخور و فشل نشان بدهیم. حتی این حق را هم داریم که آن ها را مسخره کنیم. اما در چارچوب و اصول فیلم و فیلمنامه، منظورم از چارچوب و اصول نه اخلاق است و نه حفظ حرمت بلکه، منظورم دقیقاً، احترام به خود قصه گویی است. به قول بزرگی، بعد از اولین کتابی که از یک نویسنده چاپ می شود، تنها منتقد و راهنمای درست، خودش است. آقای براهنی انگار سینما را سطل زباله خودآگاه و ناخودآگاه افکارش قرار داده و به صورت مستقیم رای و نظرش را به فیلم تبدیل می کند. (اگر بشود نامش را فیلم گذاشت). بعضی فیلم ها فیلم نیستند، صرفاً یک بیانی، سخنرانی، اعلام نظری هستند که می خواهند متفاوت بودن خط فکری خود را نشان بدهند. براهنی پدر اگر بد دهن و هتاک بودند، شاعر هم بودند، نویسنده هم بودند، منتقد هم بودند. کاری به خوب یا بد بودن آن بزرگوار ندارم

ولی هرچه که بود در مسیر هنر خودش را اثبات کرده بود. ولی انگار جناب براهنی پسر راه را کاملاً برعکس رفته، مانند بورژواهایی که اولین سرمایه گذاران مبارزه با سرمایه داری بودند، ایشان هم از نام پدر برای تخریب پدر استفاده کرده. در فیلم لتیان، شخصیت حسن معجون، یک لمپن، نه!!! لمپن هم صفت درستی نیست. او یک شخصیتی را نوشته که شبیه به تصفیه حساب یک خصومت شخصی است. هیچ ما به ازای هنری نمی شود برای این نوع از تعریف شخصیت آورد. مخاطب شاید با یک کودک آزار یا قاتل سریالی یا دیکتاتور نسل کش همذات پنداری کند ولی هیچ وقت نمی تواند با چنین توهین مستقیمی ارتباط بگیرد. ما شخصیت های حال به هم زن از حد گذرانده، کم در سینمای جهان نداریم ولی تا این حد از توهین مستقیم به قشر هنرمند، چیزی جز عقده گشایی و استفرغ در سطل خود آگاه و نا خودآگاه نیست. در عنکبوت، عقده گشایی یا بهتر بگویم، همان استفرغ خودآگاه و ناخودآگاه دیگری از ایشان برملا می شود، اما این عقده مانند لتیان واضح و مبرهن نیست، نه اینکه خودش را زیر ترفندهای داستانی پنهان کرده باشد، خیر؛ برای این است که خودش را پشت سعید حنایی قاتل سریالی زنان خیابانی مشهد پنهان می کند. سعید حنایی به خودی خود، به لحاظ شخصیتی، یک قاتل کاریزماتیک و بالقوه به لحاظ تولید اثر فاخر در ژانر جنایی (چیزی شبیه به دستکش طلایی فاتح آکین) است که متأسفانه نه در داخل و نه در خارج از پس نمایش شخصیت این بزرگوار جانی بر نیامدند. اما جای شکرش باقیست که مستند بسیار خوبی در موردش ساخته شده. مستند و عنکبوت آمد اثری از مازیا بهاری. یقیناً با این فیلم نمی توان به کسی انگ زد بودن زد ولی در فیلم پیر پسر، این نوع از استفرغ خودآگاه و ناخودآگاه داخل قاب سینما ریخته می شود.

و اما پیر پسر

بهتر است از تیتراژ پایان فیلم برای ابتدای نقد فیلم شروع کنیم، در آخر کارگردان سیاهه ای از آثار فاخر ادبیات داستانی و نمایشی را برابمان به عنوان منابع اقتباسش می نویسد. آخر کسی نیست به شما بگوید، اگر صرفاً فیلمی دیدید یا کتابی خواندید و اگر تا حدی خوشتان آمده که دوست دارید آن را بدزدید، خب بدزدید. به قول کوبریک که می گوید همه ما دزد هستیم. حالا اگر دوست داشتید مثل تارانتینو مفت و مجانی بدزدید یا مثل نولان و آرنوفسکی پولش را بدهید، ولی دیگر سیاهه ای از خوانده هایات را نشانمان ندهید، دقیقاً مانند بیوگرافی پیام رسان های فضای مجازی که می خواهیم نشان بدهیم، چقدر آدم فرهیخته و کتاب خوانی هستیم. ببینید چقدر کتاب که نخواندیم! حالا لفافه گویی هایی که اتفاقاً نه تنها لفافه گویی نیست بلکه فریاد نویسنده از خودش هم هست به این مقوله اضافه کنید. مثلاً یکی از سکانس های شیره کش خانه که یک نشئه به ظاهر معتاد مفنگی ولی در عمل جامعه شناس، نظریه های جامع شناسی و تکاملی داروین را به لحاظ طنز وارد سخنانش می کند و تعریف خانواده را به چالش می کشد. مانند مانیفست آدم درست و اخلاق مداری که بهداد در فیلم آن را فریاد می زند، شاید با تمسخرهای پدر بشود کمی از زهر شعاری دیالوگ هایش بکاهیم، ولی دست کارگردان برای مخاطب آگاه روست. نام فیلم نام شخصیت دوم است. حامد بهداد پسر خانواده پیر پسر فیلم است. اصطلاح بازیگر نقش اول و مکمل یک فیلم، صرفاً برای حک شدن روی تندیس جشنواره ها نیست، بلکه از اصول قصه و داستان نویسی است. چرا نام فیلم، نام شخصیت مکمل فیلم است؟ این نام گذاری خودش یک تعلیق بزرگ در فیلم است. تعلیق برای چه؟ برای هیچ، شما نقش مکملی دارید که هیچ کنش قهرمان گونه ای در فیلم انجام نمی دهد و تا آخر فیلم همان کسی است که بوده، منفعلی مجبور و محتوم به شکست. (این تعریف احتمالاً برای کارگردان یک تجربه زیستی باشد). حالا چرا نام فیلم باید همین شخصیتی باشد؟ اگر بگویم قهرمان داستان همان پیر پسر است که خانه از پای بست ویران است! ... اجازه بدهید قبل از پاسخ به این سوال های اساسی در فیلم، مقدمه ای در مورد شخصیت ها بگویم.

شخصیت های داستانی و سینمایی، برای اینکه کارکرد داستانی و همراهی مخاطب را داشته باشند، اصولاً در یک اصل مهم مشترکند. شخصیت باید تغییر کند. خوب یا بد شدن شخصیت ملاک نیست، بلکه همین تغییر در پایان است که باعث همذات پنداری مخاطب با داستان می شود.



راغب می شوید که حتما ببینید. دومین دلیل، راه رفتن روی خط قرمزها و خارج شدن از آن است. سینمای ما بام باریکی شده که فیلمسازان یا از جلو پرت می شوند یا از پشت. اینقدر کمندی های سخیف ساخته می شود که ذهنیت مخاطب از فیلم به کمندی پیتزا مخلوطی تنزل می یابد، این تنزل در واقع انتظار مخاطب از فیلم را به قدری پایین می آورد که هر چیزی غیر از کمندی که کمی متفاوت باشد به چشمش قشنگ می آید. حالا جنبه های تفاوت این قشنگی چیست؟ اولین جذابیت، جذابیت اروتیک است، سینمای امروز ما به لحاظ روی زمینی و زیر زمینی، در مبتذل ترین نوع اروتیکش قرار دارد. شما فکر کنید زنی اغواگر در شمایل لیلا حاتمی، همان لیلا حاتمی آب و آتش و سالاد فصل را در نظر بگیرید که اینبار محرک های جنسی اش می شود، قاب بسته روی پاها که در یک مغازه با صدای تک تک پاشنه راه می رود. در مغازه از نقطه نظر یک پدر هوس باز به پاها نگاه می کنیم و در جایی از نگاه یک پسر با اخلاق. در صحنه ای بوییدن کفش این فم فتال (زن) اغواگر که قبلا در نقد آب و آتش در موردش صحبت کردم) توسط پدر هوس باز را داریم و در جایی دیگر هم بوسیدن پسر توسط این زن. از حق نگذریم، هرچه هم فیلم خارجی دیده باشیم و مطمئن باشیم که ما در فیلم ایرانی قرار نیست هیچ صحنه نامتعارفی که بین دو نامحرم اتفاق می افتد را ببینیم. باز هم دوست داریم خودمان را در تعلیق ارتباط فیزیکی حامد بهداد و لیلا حاتمی قرار بدهیم. یکی از بزرگترین مشکلات فیلم نامه های ایرانی همین است. نمونه اش در فیلم متری شیش و نیم، آقای روستایی فیلمش را بر مبنای رشوه دادن به پلیس ساخت و در آخر دچار سانسور شد. یعنی اگر ما به لحاظ تعلیق داستانی در جایی قرار بگیریم که پلیسی رشوه خواهد گرفت یا دختر و پسری همدیگر را خواهند بوسید یا حتی دست هم را به صورت احساسی خواهند گرفت، یقینا آن تعلیق شکل نخواهد گرفت، چون ما می دانیم که در سینمای ایران هیچین اتفاقی رخ نخواهد داد، حتی اگر به مو هم برسد باز پاره نمی شود. فیلم های زیرزمینی دقیقا از آن سوی بام می افتند و به هر بهانه ای می خواهند همدیگر را لمس کنند یا پلیس ها را یک مشت مجرم جانی نشان بدهند. این اتفاق در مورد فیلم هایی با موضوع ماوراء الطبیعه هم صدق می کند، مثال بارزش هم سانسور شب بیست و نهم است. ولی با تمام این تفاسیر مخاطب وقتی در پایان از سینما خارج می شود نه اینکه مضمون مطرح شده یا سرنوشت شخصیت ها یا پیام فیلم او را در بر بگیرد، بلکه همین خارج شدن از خط قرمزها برایش جذاب جلوه می کند. چغندر یک گیاه مقوی و پر خاصیتی است ولی در نبود گوشت سالار می شود. پیر پسر با نبود فیلم درست، درست جلوه می کند وگرنه در آخر مانند همان کمندی های سخیف با انگشت گذاشتن روی محدودیت های اجتماعی سعی بر تحریک احساسات مخاطب دارد. کاش بتوانیم از این منتقدهای فسیل شده رسانه دار گذر کنیم و با نقدهای درست و جسورانه، قدمی به سمت آگاهی مخاطب و به چالش کشیدن هنرمند، برداریم. و اما حسن پورشیرازی، در مورد نقش غلام فقط به همین یک جمله بسنده می کنم: الماس نه به خاطر سیاهی قیر بلکه، به خاطر درخشش خودش ارزشمند است.

سکانس مهمانی هنرمندان با بازی بابک حمیدیان است. در این سکانس ما هنرمندان را یک مشت ادایی چت و مست می بینیم که همچون بیماران جنسی برای شکار پول و مال و شهرت و زن، دور هم جمع شده اند. فیلم شخصیتی نمی سازد، اصلا شخصیت سازی به ازای گره ها در روند قصه را بلد نیست. هر جایی که نیاز به پردازش قصه داریم، به جای اینکه آن ها را در بستر قصه قوام ببیاورد، همان الگوی پیش فرضی که خودش مد نظر دارد را به خوردها می دهد. لیلا حاتمی هم چیزی جز همان سالاد فصل و آب و آتش نیست. دقیقا یک کپی دسته چندم از خودش چه به لحاظ بازی، چه به لحاظ فیلمنامه است. دو سوم فیلم با الگوی لتیان پیش می رود و در یک سوم پایانی فیلم با الگوی عنکبوت و پل خواب مواجه ایم. جایی که به زعم خودش انگیزه جنایت را ایجاد کرده تا در سکانس پایانی آن اتفاق را رقم بزند، اینقدر این الگوهای کلیشه در ذهنش رسوب کرده که حتی صحنه قتل پسر کوچک دقیقا عین قتل های سعید حنایی در عنکبوت است. یک رویکردی در فضای مجازی اتفاق افتاده که مثلا می گویند: نولان فیلمساز نیست. اینکه نولان فیلمساز نیست می تواند یک گزاره خبری باشد که ایشان کارگردانی بلد نیست و یا اینکه می توان به این صورت تفسیرش کرد که ایشان در طی مسیر فیلم سازی نسبت به خودش افت کرده. یقینا گفتن این جمله که فیلمساز نیست یک ادعای بزرگی است که بیشتر از درست یا غلط بودنش می خواهیم بگویم ما به عنوان منتقد یا مخاطب از بزرگان هم عبور کردیم، کاری که محسن نامجو در عرصه موسیقی در آغاز کارش انجام داد. با انتقادهای درشت و گاهی هتاکانه به مشاهیر موسیقی سنتی، سری بین سرها درآورد. در عرصه نقد هم این رویه برای منتقدین تلوزیونی (حکومتی) ما به وجود آمده. البته این دیدگاه بهتر است با نگاه دقیق تری کند و کاو شود تا بتوانیم اتفاقات سینمای خودمان را بهتر رصد کنیم. برای مثال همین آقای نولان، سینمای ایشان بعد از اینسپیشن تبدیل به یک کالای مصرفی شد. این کالا رفته رفته جنبه هنری اش را کمرنگ تر کرد و به جنبه تجاری اش پرداخت. مثلا فیلم دانکرک را در نظر بگیرید، فیلمی با موضوع جنگ و مضمون ضد جنگ. شما فکر کنید این فیلم را در سینماهای مدرن با ابزار نمایش فوق پیشرفته سمعی بصری ببینید. یقینا حظ لازم از صدا و تصویر را خواهید برد. ولی واقعا این فیلم به لحاظ قصه و پرداخت، جزو آثار خنثی و ضعیف سینماست. اگر نولان پشت این فیلم نبود امکان داشت با یک شکست تجاری مواجه شود. همین نقطه نظر را می توان در فیلم های بعدی او هم داشت، یا مثلا دو فیلم آخر دیوید فینچر. این فیلم های بد، برای سینما و پلتفرم هایشان می فروشند، پس استقبال عموم به چیزهایی غیر از خود فیلم هم بستگی دارد. مثل بازیگر، کارگردان، تکنولوژی و... پس اگر فیلمی بفروشد به این معنا نیست که فیلم خوبی است. خب! چرا پیر پسر با وجود طولانی بودن فیلم پرفروشی در ژانر اجتماعی محسوب می شود. اولین و مهم ترین دلیل، توقیف فیلم است. فیلم های توقیفی همیشه برای مخاطب جذاب بوده و هست. شما به عنوان مخاطب ساده و حرفه ای فرقی نمی کنید، اگر بشنوید که فیلم چند سال توقیف بوده یقینا

حتی اگر تغییری هم رخ ندهد، یقینا آن تغییر نکردن خودش تغییری در مخاطب به وجود خواهد آورد. با توجه به اینکه تغییر با پیروزی یا شکست قهرمان در آخر فیلم معنی پیدا می کند، مقصد غایی همه قهرمانان همین جایگاه پیروزی یا شکست است. قهرمانان فیلم ما با تغییری که در مسیر داستان برایشان به وجود می آید، یا پیروز می شوند یا شکست می خورند. نام فیلم نشان می دهد فیلم حول محور حامد بهداد که پیر پسری شده، می گردد. کارگردان با انتخاب حامد بهداد برای این نقش به لحاظ انتخاب بازیگر هم می خواهد به ما رو دست بزند. البته براهنی در این کار هم موفق نبوده، چه کاری؟ الان خدمتتان عرض می کنم. برای مثال انتخاب بازیگران کمندی برای نقش جدی و برعکس، یک رسم معمولی است که کارگردانان برای کمک به بازیگر که از کلیشه های قبلی خود خارج شود، استفاده می کنند. اتفاقا با این کار در شخصیت پردازی هم یک بعد جدیدی در اختیار مخاطب قرار می دهند. (این از آن کارهایی است که فقط در سینما می تواند رخ بدهد، چیزی که در رمان ها نمی توان از آن استفاده کرد.) تصویر کلیشه ای که از بازی بهداد در ذهن مخاطب عموم وجود دارد، یک بازیگر طغیانگری است که برای حل ساده ترین مشکلات با داد و بیداد و زد و خورد مشکلاتش را حل می کند، برای بهتر مشخص شدن شخصیت بهداد در اوایل حرفه سینمایی اش، بد نیست خاطره ای از فیلم آدمکش تعریف کنم. برای فیلم آدمکش یک سیلی بین نقش های رادان و بهداد در فیلم نامه رد و بدل می شود، در فیلم نامه همین یک سیلی بوده، ولی بهداد کارگردان را متقاعد می کند که سکانسی برای تلافی سیلی اش را در فیلم قرار بدهد. البته بعدها در فیلم های دیگری مثل هر شب تنهایی خدا بیمارز پور احمد، از همین ترکیب لیلا حاتمی و حامد بهداد استفاده می کند، رام ترین حامد بهدادی که تا قبل از آن، ما چنین بازی از او ندیده بودیم. بعدها نیز با فیلم هایی مثل سعادت آباد و سد معبر، آن کلیشه قهرمان بز ن بهادری خارج می شود و تبدیل به یک انسان خوار می شود این رویه تا فیلم هایی مثل جان دار و قصر شیرین هم ادامه پیدا می کند. پس حامد بهداد منفعل و تا حدودی توسری خور، شخصیت تازه ای نیست که ما به لحاظ کلیشه های قبلی اش دچار تعلیق بشویم، ولی کارگردان روی این قضاوت ما حساب باز کرده بود تا به لحاظ حافظه سینمایی ما از بهداد بودن هم که شده، انتظار یک انفجار را داشته باشد. در سکانس معارفه شخصیت پیر پسر در کتاب فروشی عیار فیلم مشخص می شود. کاری که سکانس های حامد بهداد در کتابفروشی به لحاظ پیرنگ داستانی می خواهد انجام بدهد، این است که پُر شدن شخصیت از تحقیرها و توهین ها و عدم درک شدن ها را نشانمان بدهد تا اینکه بالاخره در یک جایی احتمالا در پایان منفجر شود، ولی آقای براهنی با عقبه ای که در لتیان به ما نشان داده، اینجا هم از هیچ تلاشی برای استفرغ در سطل خود آگاه و ناخودآگاه شان دریغ نکردند. اینقدر این عقده شخصی واضح و بالا آمده است که نیاز به دقت زیاد مخاطب هم ندارد، همین که سکانس های جنسیت زده کتابفروشی را ببینید متوجه امر می شوید. کاشت های شخصیت شناسی در فیلم فقط یک هدف دارد، فحاشی به قشر هنرمند یا بهتر بگویم، توهین به روشن فکری که دغدغه هنر دارد. اوج شاهکار آقای براهنی،

درس‌هایی از حضور پیمانکاران چینی در گلستان

ما به مراتب پایین تر است. وی بیان کرد: با همراهی مجمع نمایندگان و سازمان‌های وابسته به وزارت تعاون، در نشستی با وزیر، به دنبال راهکارهایی برای حل مشکلات استان هستیم. طهماسبی افزود: از وزیر قول‌هایی برای حمایت گرفته‌ایم و امیدواریم با همکاری مشترک، گام‌های مؤثری برای توسعه اقتصادی و اشتغال گلستان برداریم. مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای گلستان هم در این نشست گفت: مراکز فنی و حرفه‌ای استان با تجهیزات فرسوده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند که نوسازی آن‌ها ضروری است. حمزه کرایلو افزود: بخش خصوصی تاکنون ۴۰ میلیارد تومان برای حمایت از برنامه‌های مهارت‌آموزی، از جمله برگزاری مسابقات بین‌المللی، کمک کرده است. وی اظهار کرد: تغییر نگاه استان به اشتغال پایدار، نیازمند رویکردهای نوین در آموزش مهارت است. مدیرکل فنی و حرفه‌ای گلستان ادامه داد: در همین راستا، ساخت مرکز آموزشی هوش مصنوعی در مساحت ۱۵۰۰ مترمربع در برنامه قرار گرفته و امیدواریم ظرف سه سال به بهره‌برداری برسد. وی گفت: تفاهم‌نامه‌ای به ارزش ۹ میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای پیشبرد پروژه‌ها امضا شده است همچنین ۱۰۰ برنامه سرمایه‌گذاری در حوزه مهارت‌آموزی و اشتغال آماده بارگذاری است که می‌تواند تحول قابل توجهی در اقتصاد استان ایجاد کند.



هنوز در مراحل ابتدایی مهارت‌آموزی هستیم و باید با همکاری دولت و مردم، این عقب‌ماندگی را جبران کنیم. استاندار گلستان ادامه داد: تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در شهرک‌های صنعتی گلستان با کمبود نیروی ماهر مواجه‌اند، اما جویندگان کار به دنبال مشاغل اداری هستند. طهماسبی گفت: دستگاه‌های اجرایی ظرفیت محدودی برای جذب دارند و با وجود نیروی انسانی ۱۰ برابر کشورهای توسعه‌یافته، بازدهی

استاندار گلستان گفت: در بازدید اخیر از پروژه‌ای در شهرداری گرگان، با پیمانکار چینی مواجه شدم که حتی ابزار پخت‌وپز خود را از چین آورده بود، زیرا معتقد بود امکانات موجود در ایران و پخت دیر هنگام غذا، سرعت و کیفیت کار آن‌ها را کاهش می‌دهد. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در همایش وفاق ملی برای توسعه مهارت‌آموزی با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اتاق بازرگانی گرگان اظهار کرد: این نمونه، نشان‌دهنده قدرت فرهنگ‌سازی در کشوری مانند چین است که با ۱.۵ میلیارد جمعیت، اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. وی با اشاره به نبود فرهنگ‌سازی مهارتی به‌عنوان یکی از موانع اصلی پیشرفت اقتصادی گلستان افزود: فرهنگ‌سازی مهارتی باید از آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌ها آغاز شود تا نیروی انسانی توانمند تربیت کنیم. استاندار گلستان ادامه داد: روزانه افراد تحصیل‌کرده‌ای به استانداری مراجعه می‌کنند که فاقد مهارت‌های کاربردی، دانش زبان خارجی یا تخصص در رشته خود هستند، اما توقع دارند در ادارات دولتی مشغول شوند که این ضعف نظام آموزشی، یکی از چالش‌های اصلی ماست. طهماسبی ادامه داد: آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌های ما به جای مهارت‌محوری، تنها بر دانش نظری تمرکز دارند. وی اظهار کرد: در حالی که جهان به سوی هوش مصنوعی پیش می‌رود، ما

فقر مهارتی ریشه بحران اشتغال و معیشت گلستان است

هم در این همایش گفت: سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه مهارت‌آموزی، ضرورتی غیرقابل‌انکار برای توسعه گلستان است. سیدنجیب حسینی افزود: قوانین موجود در این زمینه قوی و کارآمد هستند و با اجرای دقیق آن‌ها، می‌توان شاهد پیشرفت چشمگیر در مهارت‌آموزی و سایر حوزه‌های توسعه‌ای بود. وی گفت: مشارکت بخش خصوصی در مهارت‌آموزی باید به طور جدی تقویت شود و افزود سازمان فنی و حرفه‌ای کشور باید با حمایت بیشتر از مربیان و باتجربه خود که با حداقل حقوق فعالیت می‌کنند، از ظرفیت‌های موجود به بهترین شکل بهره‌برداری کند. نماینده مردم علی‌آبادکنول در مجلس شورای اسلامی هم گفت: سند آمایش سرزمینی باید مبنای برنامه‌ریزی اشتغال در هر استان قرار گیرد و توزیع اعتبارات نیز بر اساس این سند انجام شود. رحمت‌الله نوروزی افزود: بیکاری و فقر معیشتی، دو آسیب اجتماعی کلیدی در گلستان هستند که ریشه اصلی آن‌ها، کم‌توجهی به سرمایه‌گذاری در مهارت‌آموزی است. وی اظهار کرد: گلستان در بخش‌های گردشگری، کشاورزی و صنعت از ظرفیت‌های بکری برخوردار است که بهره‌برداری از آن‌ها نیازمند تقویت آموزش‌های مهارتی متناسب با نیازهای این حوزه‌هاست. وی افزود: توجه ویژه به مهارت‌آموزی در این بخش‌ها، می‌تواند تحول اقتصادی و اجتماعی در استان ایجاد کند.



خروجی آنها را ارزیابی کنیم. وی بیان کرد: به جای پرانگنده کاری در دهها پروژه بی نتیجه، باید روی پنج حوزه متمرکز شویم که در این میان صنایع تبدیلی کشاورزی، بهره برداری از معادن، تقویت علم و فناوری، مهارت آموزی هدفمند و کشاورزی نوین می توانند اقتصاد استان را متحول کنند. نماینده مردم مینودشت، کاله، مراوه تپه و گالیکش در مجلس شورای اسلامی

به نیازهای روز همخوانی ندارد و مهارت‌های موردنیاز امروز با آنچه یک دهه پیش تدریس می‌شد تفاوت دارد که باید به‌سرعت خودمان را به‌روز کنیم. نماینده مردم آزادشهر و رامیان در مجلس شورای اسلامی گفت: پروژه مرکز علمی-عملیاتی نی‌تپه بیش از یک دهه است که به سرانجام نرسیده که باید پروژه‌ها را با جدیت تکمیل و پیش از شروع طرح‌های جدید،

نماینده مردم آزادشهر و رامیان در مجلس شورای اسلامی گفت: گلستان با بحران اشتغال و معیشت دست‌وپنجه نرم می‌کند که ریشه این مشکلات در فقر مهارتی نهفته است. به گزارش ایرنا، جمشید قائم‌مقام در همایش وفاق برای سرمایه‌گذاری و ایران در گرگان با حضور احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اظهار کرد: هماهنگی بین ظرفیت‌های بومی و خروجی‌های دانشگاهی وجود ندارد و ما نتوانسته‌ایم نیازهای مهارتی گلستان را با آموزش‌هایمان هم‌راستا کنیم. وی ادامه داد: نخبگان و استعدادهای استان به دلیل نبود فرصت‌های شغلی متناسب با تحصیلاتشان چاره‌ای جز مهاجرت ندارند که این مهاجرت‌ها، سرمایه‌های انسانی ارزشمند را از گلستان می‌گیرد و توسعه را کند می‌کند. قائم‌مقام بیان کرد: کشاورزی، ستون اقتصاد گلستان، هنوز به روش‌های نوین مجهز نشده و این یک عقب‌ماندگی بزرگ است. این نماینده مجلس افزود: پارک علم و فناوری گلستان یکی از بهترین مراکز نوآوری منطقه است اما ارتباط ما با آن ضعیف است که تقویت این ارتباط می‌تواند مهارت‌های جدید را به استان تزریق و اشتغال پایدار ایجاد کند. وی اظهار کرد: یک مدیر خلاق با یک پروژه علمی توانسته ۲۵۰ شغل مستقیم و بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ شغل غیرمستقیم ایجاد کند که الگویی برای آینده است. قائم‌مقام ادامه داد: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ما

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک / مرحله ای

فراخوان ۲۰۰۴۰۰۰۰۸۸۰۰۰۰۴

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان در نظر دارد

فراخوان تکمیل و احداث نمایشگاه محصولات فرهنگی گرگان (نگارخانه) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

* تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ روز دوشنبه ساعت ۱۳/۰۰

*مهلت ارسال پیشنهادات: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ ساعت ۸/۰۰

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۰/۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اطلاعات تماس و آدرس: دستگاه ۰۱۷۳۲۲۶۰۶۰ - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان گلستان

*مهلت دریافت اسناد فراخوان: روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ ساعت ۱۴/۳۰

*زمان بازگشایی پاکت ها: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ ساعت ۹/۰۰

شناسه آگهی: ۱۹۷۶۳۹۳

کاشف

٢. ١٧٣٢٢٤٤٣. ٢

۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

اسب‌های اصیل ترکمن و رویای رونق گردشگری

می‌دهد که با استانداردسازی اصطبل‌ها، امکان بازدید گردشگران از اسب‌ها و حتی آموزش سوارکاری فراهم شود. وی گفت: ایجاد پیست‌های آموزشی و حرفه‌ای، نه تنها برای تمرین اسب‌های کورس، بلکه برای جذب علاقمندان به یادگیری سوارکاری نیز مفید خواهد بود. برگزاری مسابقات کورس پاییزه و بهار گنبدکاووس، که گاهی تا سه روز در هفته برگزار می‌شود، هزاران تماشاگر را از سراسر ایران و حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس به این منطقه می‌کشاند اما کمبود زیرساخت‌های اقامتی و تفریحی، مانع از بهره‌برداری کامل از این ظرفیت شده است. محمدی تأکید کرد: برای میزبانی شایسته از این حجم از گردشگران، نیاز به هتل رستوران، شهرسازی، جایگاه‌های تماشاگران مجهز و امکانات تفریحی مانند بازدید از اصطبل‌ها و آموزش سوارکاری است. این زیرساخت‌ها می‌تواند تجربه‌ای کامل و جذاب برای خانواده‌ها و گردشگران فراهم کند. علاوه بر مسابقات کورس، این مجموعه می‌تواند میزبان جشنواره‌های زیبایی اسب اصیل ترکمن و حراج‌های اسب باشد. این رویدادها نه تنها به معرفی فرهنگ ترکمن و اسب‌های اصیل این منطقه کمک می‌کند، بلکه منبع درآمدی پایدار برای پرورش دهندگان اسب و فعالان این صنعت خواهد بود. محمدی ادامه داد: برگزاری جشنواره‌های زیبایی و حراج‌های اسب، با مشارکت بخش خصوصی و حمایت مسئولین، می‌تواند گنبدکاووس را به مقصدی بین‌المللی برای علاقمندان به اسب و سوارکاری تبدیل کند.



تفریحی را در این منطقه محروم مرزی توسعه دهد و فرصت‌های شغلی پایدار برای جوانان ایجاد کند. ترکمن‌های گلستان عاشق پرورش اسب و مسابقات سوارکاری هستند. این علاقه ریشه‌دار فرهنگی، گنبدکاووس را به مرکزی برای پرورش اسب‌های اصیل و برگزاری مسابقات کورس تبدیل کرده است. در حال حاضر، حدود ۷۰۰ رأس اسب در اصطبل‌های این مجموعه نگهداری می‌شوند. محمدی پیشنهاد

شده و فقط برای مسابقات سوارکاری استفاده می‌شود. حسام محمدی افزود: با الگوبرداری از تجربیات موفق دیگر کشورها و حتی استان‌های ایران، می‌توان با ایجاد زیرساخت‌های اقامتی، رفاهی و تفریحی، این مجموعه را به قطب گردشگری منطقه تبدیل کرد. وی ادامه داد: همان‌طور که مازندران و گیلان از ظرفیت دریا برای جذب گردشگر بهره می‌برند، گنبدکاووس نیز می‌تواند با تکیه بر این مجموعه، صنعت گردشگری ورزشی و

مجموعه اسبدوانی گنبدکاووس، نگینی در شرق گلستان، با مساحت ۱۶۰ هکتار یکی از برجسته‌ترین ظرفیت‌های ورزشی و گردشگری منطقه است که به اعتقاد کارشناسان، این مجموعه فراتر از برگزاری مسابقات کورس‌های فصلی (پاییز، زمستان و بهار)، پتانسیل تبدیل شدن به یک مقصد گردشگری ورزشی، تفریحی و سرگرمی را دارد. به گزارش ایرنا، مجموعه اسبدوانی گنبدکاووس که در سال ۱۳۵۳ با وسعت اولیه ۴۰۰ هکتار تأسیس شد، به دلیل علاقه وافر ترکمن‌های گلستان به پرورش اسب و مسابقات سوارکاری، گنبدکاووس را به پایتخت سوارکاری ایران تبدیل کرد. هرچند بخش‌هایی از این مجموعه در سال‌های گذشته برای احداث دانشگاه، مرکز تحقیقات کشاورزی و استادیوم ورزشی واگذار شده، اما همچنان با پیست ماسه‌ای استاندارد، فضاهای سبز دل‌انگیز، اصطبل‌های نگهداری اسب و امکانات رفاهی، یکی از بی‌نظیرترین مجموعه‌های اسبدوانی خاورمیانه به شمار می‌رود. کارشناسان معتقدند که مجموعه اسبدوانی گنبدکاووس، فراتر از برگزاری مسابقات کورس‌های فصلی (پاییز، زمستان و بهار)، پتانسیل تبدیل شدن به یک مقصد گردشگری ورزشی، تفریحی و سرگرمی را دارد. عضو پیشین هیأت سوارکاری گنبدکاووس اظهار کرد: این مجموعه در دهه ۵۰ با طراحی مهندسان بین‌المللی، از جمله متخصصانی از فرانسه، با هدف استفاده چندمنظوره ساخته شد. اما در سال‌های اخیر، به دلیل کم‌توجهی، بخش زیادی از اراضی آن واگذار

تعاونی‌های مینودشت در تنگنای رکود



و تولیدکنندگان نیز در این جلسه خواستار احیای کشت توتون شدند که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ سطح زیرکشت آن به ۲ هزار هکتار با تولید ۱۶۰۰ تن و اشتغال ۱۵۰۰ خانوار می‌رسید. آنان خرید توتون با قیمت مناسب و پرداخت به‌موقع مطالبات، تأسیس خانه نوغان و مرکز تحقیقات ابریشم، ایجاد صندوق خرد زنان روستایی بیمه و تسهیلات ازان قیمت برای خیاطان و قالی‌بافان را مطرح کردند.

را از مطالبات اصلی دانست. حجت‌الاسلام رضا کشیری امام جمعه مینودشت هم در این جلسه با استناد به حدیثی از امام علی علیه‌السلام چهار عامل سقوط نظام دینی را کنار گذاشتن ارزش‌های دینی، توجه به حواشی، استفاده از افراد ناشایست در مناصب و کنار گذاشتن متخصصان عنوان کرد و بر ضرورت توجه به امنیت شغلی آموزش و مهارت‌آموزی کارگران تأکید کرد. نمایندگان کارگری

فرماندار مینودشت از ثبت هزار و ۳۷ شرکت تعاونی با افزون بر پنج هزار و ۷۰۰ عضو در این شهرستان خبر داد و گفت: ۶۵ درصد این تعاونی‌ها به دلیل کمبود سرمایه راکد و غیرفعال هستند. به گزارش روابط عمومی، علیرضا مصطفی‌لو در همایش وفاق برای سرمایه‌گذاری و ایران ماهر با حضور وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی، استاندار گلستان و فعالان اقتصادی و کارگری بیان کرد: مینودشت دارای چهار هزار واحد کارگاهی و ۳۰ واحد تولیدی با ۱۴ هزار بیمه‌شده است که با احتساب اعضای خانواده جمعیتی حدود ۳۵ هزار نفر را شامل می‌شود. وی با اشاره به فعالیت ۲۲۰ بهره‌بردار در نوغانداری و کسب رتبه سوم کشوری در تولید پيله ابریشم افزود: گردش مالی این صنعت در مینودشت سالانه ۱۶۰ میلیارد تومان است و تکمیل زنجیره تولید می‌تواند این رقم را دو برابر کند. به گفته فرماندار مینودشت، کشت سالانه ۴۲۰ هکتار زعفران با گردش مالی ۳۲۰ میلیارد تومان از دیگر ظرفیت‌های اقتصادی این شهرستان است اما نبود ارزش افزوده و خروج خام محصول چالش اصلی این بخش محسوب می‌شود. مصطفی‌لو با اشاره به نرخ رسمی بیکاری ۱۰۶ درصدی این شهرستان از وجود نرخ بالای بیکاری پنهان خبر داد و تخصیص اعتبار برای ساخت اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی و احداث سالن ورزشی کارگران

۱۰۰ روستای مرزی با تانکر آبرسانی می‌شوند

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان با اشاره به ناترازی آب اعلام کرد: هم‌اکنون این استان با کمبود هزار و ۲۰۰ لیتر بر ثانیه آب شرب مواجه است و ۱۰۰ روستای مرزی آن از طریق تانکر آبرسانی می‌شوند. به گزارش روابط عمومی، سیدمهدی مهبایی با حضور علی نیکزاد، نائب رئیس مجلس شورای اسلامی بر تسریع در تکمیل و آبگیری سد نرمام چهل‌چای مینودشت تأکید کرد و گفت: این سد می‌تواند آب آشامیدنی پایدار برای بیش از ۵۰۰ هزار نفر در شرق گلستان تأمین کند. وی بر لزوم توجه ویژه به زیرساخت‌های جاده‌ای تأکید کرد و گفت: تکمیل جاده ترانزیتی موسوم به نفت و تسریع در تعریض و بهسازی جاده ترانزیتی خوش‌بیلاق که گلستان را به کریدورهای شرق به غرب و شمال به جنوب متصل می‌کند، ضروری است. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان همچنین رفع محدودیت‌های زمین در طرح نهضت ملی مسکن و ایجاد زیرساخت‌های مرکز لجستیک منطقه آزاد تجاری اینچه‌برون را از اولویت‌ها برشمرد.